

گزارش تظاهرات 16 آذر در استکهلم و ثبت نام کاروان سفر برای تظاهرات علیه حضور احمدی نژاد در دانمارک

یکشنبه ۲۲ آذر ۱۳۸۸ - ۱۳ دسامبر ۲۰۰۹

زمان حرکت کاروان به سوی کپنهاگ: 7 صبح پنج شنبه 17 دسامبر 2009

به دعوت جمعیت پشتیبانی از مبارزات مردم ایران عصر دوشنبه چند صد تن از ایرانیان در بزرگداشت ۱۶ آذر، اعتراض به سفر احمدی نژاد به دانمارک و همچنین به مناسبت روز جهانی حقوق بشر در استکهلم دست به راهپیمایی و تظاهرات همراه با مشعل زدند که به رغم هوای نسبتاً سرد و تاریکی زمستان و برپایی همزمان تظاهرات از سوی گروه‌های دیگر، با استقبال درخور ایرانیان روبرو شد.

در این تظاهرات Jytte Guteland رئیس سازمان جوانان حزب سوسیال دمکرات سوئد، اردلان شکرابی کاندیدای حزب سوسیال دمکرات در انتخابات پارلمانی اتحادیه اروپا، بگیتا اولسون نماینده پارلمانی حزب لیبرال مردم و عضو کمیسیون امور خارجی پارلمان، ماکان افشین نژاد از حزب مردم سوئد و مهرداد درویش پور از برگزارکنندگان تظاهرات سخنرانی کردند. همچنین سخنرانی‌های ضبط شده‌ای از طرف ناصر زرافشان وکیل شجاع پرونده قتل‌های زنجیره‌ای و عضو هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران و منوچهر محمدی از فعالان دانشجویی 18 تیر در رابطه با روز دانشجو برای مراسم استکهلم ارسال شد. سخنرانان ضمن اشاره به نقش 16 آذر و جنبش دانشجویی در مبارزه علیه استبداد سلطنتی و دینی در ایران بر خصلت همگانی و فراگیر مبارزات امروز در ایران و جهان علیه استبداد حاکم تاکید ورزیدند و از سوئد و دولت‌های اروپایی خواستند که حمایت از حقوق بشر در ایران را فدای مصالح دیپلماتیک و اقتصادی خود نکرده و از برسمیت شناختن دولت احمدی نژاد و حضور او در مجامع بین‌المللی و از جمله کنفرانس اقلیمی در دانمارک خوداری کنند. گزارشی از این تظاهرات در رسانه‌های سوئدی و بین‌المللی فارسی زبان نظیر بی‌بی‌سی و رادیو زمانه پخش گردید.

در قطع نامه این تظاهرات از سوئد و دیگر کشورهای جهان خواسته شده است تا از مبارزات مردم ایران برای دستیابی به حقوقی که بیش از سه دهه برای تحقق آن از هرگونه تلاش مسالمت آمیز و مدنی فروگذار نبوده اند، حمایت شود و همچنین:

1. دولت کودتایی احمدی نژاد را به رسمیت نشناسند و از خواست برگزاری انتخابات آزاد و دمکراتیک زیر نظر مراجع بین المللی دفاع کنند.

2- خواستار لغو شکنجه و حکم اعدام و آزادی دستگیر شدگان اخیر و کلیه زندانیان سیاسی گردند.

3- از هرگونه فشار سیاسی علیه جمهوری اسلامی ایران در جهت تامین حقوق بشر و خواسته های برحق مردم ایران حمایت نمایند.

فیلم تظاهرات 16 آذر در استکهلم

همچنین در این تظاهرات ثبت نام برای همراهی با کاروان سفر از استکهلم به دانمارک برای شرکت در تظاهرات علیه حضور احمدی نژاد در کنفرانس بین المللی اقلیمی که از 7 تا 18 دسامبر 2009 در کپنهاگ برگزار میگردد، آغاز شد. جمعیت پشتیبانی از مبارزات مردم ایران، ایرانیان مقیم استکهلم را فرا خوانده است تا با کاروانی که روز پنج شنبه 17 دسامبر راس ساعت 7 صبح از مرکز شهر استکهلم به سوی کپنهاگ راهی خواهد شد همراه گردند تا در تظاهرات روزهای 17 و 18 دسامبر علیه حضور احمدی نژاد و کنفرانس مطبوعاتی او در کپنهاک شرکت کنیم.

زمان حرکت کاروان به سوی کپنهاگ: 7 صبح پنج شنبه 17 دسامبر 2009
مکان

Sergelstorget

تلفنهای تماس برای اطلاعات بیشتر و ثبت نام در کاروان اعتراضی به احمدی نژاد در دانمارک

مهرداد درویش پور: 0736631177 ، سیاوش فرجی: 0739043268

هلیا زیادت: 0735735177 ، امیر نیلو: 0736005060

اریسا : 0739777592

پشتیبانی از مبارزات مردم ایران استکهلم جمعیت

بیانیه ی مطبوعاتی سازمان گزارشگران بدون مرز

شش ماه پس از کا بوس

بیان سرکوب گسترده آزادی بیان در ایران

شنبه ۲۱ آذر ۱۳۸۸ - ۱۲ دسامبر ۲۰۰۹

شش ماه پس از آغاز اعتراضات به نتیجه انتخابات ریاست جمهوری ۲۲ خرداد در ایران، مسوولان جمهوری اسلامی همچنان به سیاست سانسور گسترده در رسانه و سرکوب روزنامه نگاران ادامه می‌دهند. در این مدت بیش از ۱۰۰ روزنامه نگار بازداشت و بیش از ۵۰ روزنامه نگار مجبور به ترک کشور شده‌اند. ۱۲ نشریه توقیف و هزاران صفحه سایت های اینترنتی مسدود شده است.

۱۰۰ روزنامه نگار زندانی، ۳ میلیارد تومان وثیقه و بیش از ۶۵ سال زندان

چند ساعت پس از اعلام انتخاب مجدد محمود احمدی نژاد به ریاست جمهوری، بازداشت روزنامه نگاران از سوی وزرات اطلاعات، سپاه پاسداران و اطلاعات نیروهای انتظامی آغاز شد، بازداشت شدگان به بندهای مختلف زندان اوین انتقال یافتند. همچون استادیوم ورزشی سانتیگو شیلی در بعد از کودتای ۱۹۷۵، اوین نیز به زندانی خونین تبدیل شد که خودسری در آن حکومت می‌کند. بسیاری از روزنامه نگاران زندانی تحت فشارهای شدید روحی و مورد بدرفتاری قرار گرفته‌اند. پس از ۲۲ خرداد، در ایران دستکم ۱۰۰ روزنامه نگار و وب‌نگار بازداشت شده است، تعدادی از آنها با سپردن وثیقه‌های سنگین به شکل موقت آزاد و در انتظار محاکمه خود بسر می‌برند، برخی دیگر به احکامی از ۵ تا ۹ سال زندان محکوم شده‌اند. احضار و بازجویی مدام روزنامه نگاران همچنان ادامه دارد. بسیاری از حرفه کاران رسانه‌ها در شهر مختلف ایران از جمله اصفهان، شیراز، مشهد و تبریز از سوی دادگاه‌های انقلاب و یا وزارت اطلاعات احضار و مورد بازجویی و تهدید قرار گرفته‌اند. گزارشگران بدون مرز یادآور می‌شود ایران با ۲۷ روزنامه نگار و وب‌نگار زندانی یکی از پنج زندان بزرگ جهان برای روزنامه نگاران است.

سانسور همه جانبه رسانه های داخلی و خارجی

از فردای "پیروزی" رئیس جمهور، از سوی دولت کارزار سانسور گسترده مطبوعات داخلی و خارجی به راه افتاد. برای نخستین بار پس از انقلاب ۱۳۵۷ ماموران قضایی - امنیتی در تحریریه های روزنامه ها حضور یافتند و راسا اقدام به سانسور کردند. از انتشار چندین نشریه با مقالات مخالف با روایت رسمی جلوگیری شد. ده ها نشریه دیگر توقیف شدند: کلمه سبز در ۲۳ خرداد، اعتماد ملی در ۲۷ مرداد و روزنامه اقتصادی سرمایه در تاریخ ۱۱ ابان توقیف شدند. سیاست توقیف مطبوعات همچنان ادامه دارد. روزنامه حیات نو در ۱۷ آذر به دلیل انتشار گزارشی در باره تظاهرات مخالفان در ۱۶ آذر روز دانشجو، توقیف شد.

کارزار ضد رسانه های جمهوری اسلامی با تخریب رسانه های خارجی و به ویژه رسانه های غربی با اتهام "سخنگوی آشوبگران" ادامه دارد. در تاریخ ۲۶ خرداد محمد صفار هرنندی وزیر وقت فرهنگ و ارشاد اسلامی با انتشار بخشنامه ای به خبرنگاران خارجی اعلام کرد که اجازه "شرکت و یا تحت پوشش خبری قرار دادن تظاهرات غیر قانونی را ندارند." ده ها روزنامه نگار خارجی که شاهدان سرکوب بودند پس از تهدید و بدرفتاری و یا بازداشت، مجبور به ترک کشور شدند، آن عده نیز که در کشور مانده اند تحت کنترل و فشارهای دائمی برای انجام وظایف خود با محدودیت های متعدد رو در روی هستند. در آستانه ۱۶ آذر مجوز فعالیت بسیاری از آنها به مدت ۷۲ ساعت در تهران و برخی از شهرهای بزرگ لغو شد.

دولت جمهوری اسلامی در تهاجم خود به رسانه ها، اینترنت و رسانه های مدرن را نیز بی نصیب نگذاشت. از روز ۲۱ خرداد بسیاری سایت های اطلاع رسانی متعلق به مخالفان مسدود شدند. و از روز بعد هر سایتی که ممکن بود به "پیروزی" محمود احمدی نژاد اعتراض کند، تعطیل شد. پیشبرد این سیاست به ویژه در آستانه هر دعوت به تظاهرات مخالفان همچنان ادامه دارد. از جمله در روزهای ۱۳ ابان و ۱۶ آذر سرعت اتصال به اینترنت از جمله در تهران، اصفهان، شیراز، مشهد و تبریز به شدت کاهش یافت و یا کاملاً قطع شد. برای روز ۱۶ آذر، این اقدامات با گستردگی بیشتر و از چند روز پیش آغاز مراسم روز دانشجو آغاز شد، که عملاً مراجعه به سایت ها اطلاع رسانی و ارسال ای میل را با مشکل مواجه کرده بود. یکی از کاربران اینترنتی به گزارشگران بدون مرز در این باره گفت "صفحه اصلی جیمیل یا یاهو باز می شوند ولی برای ارسال ای میل دکمه "ارسال" ظاهر نمی شود."

از سوی دیگر ماموران حکومتی با کمک برخی از شرکت‌های خدمات دهنده اینترنتی با بکارگیری برگردان آدرس، کاربران برخی از سایت‌ها را به صفحات تبلیغاتی سایت‌های حکومتی هدایت می‌کردند. از جمله بازدید کنندگان سایت بالاترین یکی از دژهای اطلاع رسانی آنلاین جنبش اعتراضی، برای چندین ساعت قربانی این شگرد شدند. سایت‌های یوتیوب و فیس‌بوک همچنان با مشکل دسترسی مواجه هستند. کاهش سرعت اتصال، استفاده از فیلترشکن‌ها را با مشکلات بیشتری مواجه می‌کند. در این روزها به ویژه در شبکه تلفن‌های همراه نیز اختلال ایجاد می‌شود، هدف حکومت جلوگیری از ارسال تصویربرداری از این طریق و ارسال آن بر روی شبکه اینترنت است. در روز ۱۶ آذر پلیس اقدام به کنترل و بازرسی شدید کسانی کرد که با تلفن و یا دوربین خود در حال تصویر برداری بودند و یا بر روی حافظه تلفن خود عکس و تصویر تظاهرات داشتند، تعدادی از این افراد بازداشت شدند.

گزارشگران بدون مرز یاد آور می‌شود که ایران یکی از سرکوبگرترین کشورهای خاورمیانه در عرصه اینترنت است و در لیست کشورهای "دشمنان اینترنت" در جهان قرار دارد. در این کشور سیستم مسدودسازی و کنترل شبکه اینترنت مشابه با سایبرسانسور چین بکار گرفته می‌شود. اخیراً سپاه پاسداران بخش عمده سهام شرکت مخابرات اصلی‌ترین شرکت خدمات دهنده اینترنت در کشور را خریداری کرده است، این شرکت قراردادهای بین‌المللی و تعهدات جمهوری اسلامی برای گردش آزادی اطلاعات را نادیده می‌گیرد.

مصونیت از مجازات پایان نایافتنی

در تاریخ ۲۲ تیر ماه پیکر علیرضا افتخاری، ۲۹ ساله به خانواده اش تحویل داد شد. وی که از روزنامه نگاران ارشد روزنامه ابرار اقتصادی و به مدت ۵ سال با این روزنامه همکاری داشته است. در تاریخ ۲۵ خرداد، در اثر ضربات خونریزی مغزی کشته شد، اما چگونگی کشته شدن این روزنامه نگار تا به امروز مشخص نشده است. اینگونه نام وی نیز به لیست روزنامه نگاران به قتل رسیده اضافه شد.

گزارشگران بدون مرز در یازدهمین سالگرد جنایات سیاسی معروف به "قتل‌های زنجیره ای" اعلام می‌کند برای روشن شدن چگونگی و دلایل به قتل رسیدن علیرضا افتخاری، روشن شدن همه حقیقت در باره مرگ وبلاگ‌نویس جوان امیدرضا میرصیافی، محاکمه و مجازات عاملان و آمران قتل مجید شریف، محمد مختاری، محمد جعفر پوینده، پیروز دوانی، زهرا کاظمی تلاش می‌کند.

خروج از کشور بی سابقه روزنامه نگاران ایران

از تاریخ ۲۲ خرداد بیش از ۵۰ نفر از حرفه‌کاران رسانه‌ها از کشور خارج شده‌اند. گزارشگران بدون مرز، هر روز درخواست تازه ای برای همیاری با روزنامه‌نگارانی که از وحشت زندان و شکنجه مجبور به ترک کشور خود شده‌اند، دریافت می‌کند. این موج خروج از کشور از سال ۱۳۵۷ بی سابقه است. گزارشگران بدون مرز همگان را دعوت به همیاری و همبستگی با روزنامه نگاران و وب‌نگاران ایران می‌کند. بسیاری از شاهدان سرکوب و شکنجه امروز در انتظار انتقال به کشوری امن در شرایطی نابسامان بسر می‌برند.

بیان شرایط حاضر در ایران از زبان شاعره ی جوان:

هیلا صدیقی

شنبه 121 دسامبر 2009

[میزی که خالی مانده از تو](#)



دعوت به نشست میان دوره ای

همراهان عزیز، با سلام

همانگونه که مطلع هستید، تحولات و جنبش اعتراضی اخیر مردم علیه استبداد مذهبی حاکم، واکنشی در خور را می‌طلبید. ما، اما، برغم حضور فردی و چه بسا موثر در کارزارهای عمومی، قادر نشدیم پای

جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک را به چنین کارزاری بکشانیم. اظهارات همراهان در نشست پالتاکی سپتامبر، تأییدی بود و تأکیدی بر عدم مداخله گری ما در تحولات و رویدادهای اخیر.

شورای هماهنگی در نشست اکتبر به این نتیجه رسید که با تشکیل نشست میاندوره ای، حضوراً و با بهره گیری از خرد جمعی، چه بسا بتوان با سهولت بیشتری راه های برون رفت از وضعیت موجود جدل را یافت.

ما در جلسه 4 دسامبر 2009، پس از بحث و تبادل نظر پیشنهادات خود را برای تشکیل نشست میاندوره ای به شما همراهان عزیز ارائه می کنیم. از همه ی همراهان عزیز تقاضا می کنیم که برای تدقیق، تغییر، اصلاح و تصویب این پیشنهادات در جلسه پالتاکی عمومی همراهان جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک که شنبه 19 دسامبر 2009، ساعت 19 بوقت اروپای مرکزی برگزار می شود، شرکت کنند.

آدرس اطاق:

Middle East, Iran, Jomhuri khahan Demokrat va Laik

زمان نشست میاندوره ای : شنبه و یکشنبه 27 و 28 فوریه 2010

محل نشست میاندوره ای : شهر هانور در آلمان

دستور جلسه :

1- گزارش شورای هماهنگی و واحدها از وضعیت و مشکلات خود و ارائه علل عدم برخورد فعال نسبت به جنبش اعتراضی اخیر

2- تدوین بیانیه سیاسی در رابطه با تحولات و رویدادهای اخیر و موضع ما

3- تدارک گردهم آئی چهارم

4- رایزنی در مورد تارنمای ندای آزادی. چاره جویی برای بالا بردن کیفیت و تقویت آن

همچنین، شورای هماهنگی پیشنهاد می کند که بمنظور مداخله گری هرچه بیشتر همراهان و بالا بردن کیفیت نشست، یک گروه کار متشکل از داوطلبین، مسئولیت تدارک نظری و عملی، برگزاری و اداره نشست میان دوره ای را به عهده بگیرد.

ماجرای مجید توکلی از یک منظر دیگر:



حکایت حقارت حضرات را شنیده اید. آنقدر حقیر شده اند که پنداشته اند انتشار عکس مجید توکلی، عضو انجمن اسلامی دانشگاه پلی تکنیک در لباس زنانه، یعنی تحقیر کردن دانشجو و گذاردن نام او در کنار نام بنی صدر و یاد آوری قصه های ساخته و پرداخته دیگری چون فرار با لباس زنانه، احتمالاً جنبش را زمین گیر و سرخورده می کند.

حتما این حکایت را هم گوشه و کنار خوانده اید: مردی ژاپنی در اوایل انقلاب در تهران زندگی می کرد، روزی با همسر خود به یک رستوران رفت. در آنجا از همسرش خواستند که روسری به سر کند و سپس یک روسری هم در اختیار او قرار می دهند. مرد ژاپنی از آنان تقاضای یک روسری اضافه می کند و بعد خودش آنرا به سر کرد. وقتی پیشخدمت های رستوران توضیح دادند که فقط زنان باید حجاب داشته باشند و نه مردان، در پاسخ گفت: "اگر همسرم مجبور است کاری را خلاف میل خود انجام دهد، من هم وظیفه خود می دانم که با او همراهی کنم"

به صحت و سقم هیچ کدام از این دو حکایت کاری ندارم از طرفی تردید ندارم طرفداران جنبش اعتراضی ایران و منادیان آزادی خوب می دانند آنچه موجب حقارت مجید توکلی شده است، لباس زنانه نیست، بلکه اجبار آن و انتشار عکس های آن، نوعی کوبیدن بر طبل تحقیر است که این چیز جدیدی نیست. بخش های چشمگیری از زنان ایران هیچ اعتقادی به حجاب و پوشش اجباری ندارند و سالهاست که با اجبار روسری و گاهی چادر هم به سر می کنند.

بر این اساس به گمانم قصه مجید توکلی عزیز و عکس هایش قصه حقارت بخش هایی از زنان سرزمین من است.

باید به کسانی که نا آگاهانه و ساده لوحانه ارزش های خودشان را به لجن می کشند خندید و از سویی باید غمگین بود برای کسانی که به حجاب باور درونی دارند و با نمایش مضحک اجبار در ایران سالهات که آنها نیز تحقیر می شوند. .

من از رذالت مردانی خنده ام می گیرد که با انتشار این عکس ها به یادمان آورده اند که به اجبار روسری و چادر بر سر انداختن چه بر سر مرد و چه بر سر زن آنقدر زشت و زننده است که ارزش عکس و خبر شدن دارد.

و اما نکته دیگر: اگر باز هم فرض را بر این بگذاریم که خبرهای کودتاگران درست بوده و ترس، دانشجو را ناگزیر به فرار کرده است، کجای این ترس بالیدن دارد که دولتی هراس ملت اش را به نمایش عمومی می گذارد؟ درست مثل سردار کودتا که با افتخار اعلام می کند: دکتر کهریزک از ترس بازداشت، خودکشی کرده است. در زندان و بازداشتگاه چه می گذرد که ترس از آن موجب خودکشی و فرار می شود؟ شگفتا که همین موجب ننگ عار یک سیستم بیمار نمی شود تا حداقل رسوایی خودش را آنقدر ساده لوحانه جار نزند و عکس و خبر منتشر نکند که ایها الناس ببینید چه گل و بلبل هست جمهوری اسلامی که دانشجو ودکتر اش از قانون می ترسند و مرگ و فرار را به افتادن در دام بازجویان متجاوز و قاتل بازداشتگاهها ترجیح می دهند.

پس به جای احساس سرخوردگی کردن از قصه مجید باید به او بالید که کودتاگران را در دو دام انداخته است.

جار زدن رسوایی خودشان. یک: روسری و چادر به اجبار زشت و مضحک است. دو: قانون و قضای حاکمیت چنان هراس انگیز است که دانشجو را وادار به فرار با لباس مبدل می کند. (فرض بر درستی خبر). حال.

در نظر بگیرید اگر بخشی از معترضان مذکر مثل همان مرد ژاپنی تصمیم می گرفتند در دفاع از زنانی که به اجبار وادار به رعایت حجاب می شوند روسری به سر کنند، آنوقت خبرگزاران دولت چه می کردند وقتی می دیدند که جمعیتی بر این اجبار می خندد و در یک حرکت نمایند روسری و چادر به سر مردان شده است؟ اگرچه می دانم به دلیل تفکر ریشه ای مردسالارانه، چنین ابتکار عملی از مردان ایرانی بعید است اما آیا باز هم خبربیاران دولت کودتا با افتخار حاضر به انتشار عکس های به تمسخر گرفتن پوشش اسلامی خواهند بود؟ کاری که خود کرده اند و خود خندیده اند.



بیانیه

منبع:

www.irantribunal.com

کارزار تدارک دادگاه بین المللی

برای رسیدگی به کشتار زندانیان سیاسی در زندان های ایران

در تابستان سال ۱۳۶۷ شمسی، رژیم جمهوری اسلامی هزاران زندانی سیاسی را که دوران زندان و محکومیت خود را می‌گذرانند از سلول‌های زندان‌ها بیرون کشید و همه را از زن و مرد، دست‌بند و چشم‌بند زد و با درنده خوئی هرچه تمام‌تر در آمفی تئاترها و سالن های نمازخانه های زندان‌ها به دار آویخت و یا تیرباران کرد. در این کشتار سبعانه، نه دادگاهی در کار بود و نه اخطار و هشدار. تنها، یک کمیسیون مرگ، متشکل از سرسپردگان رژیم، با در دست داشتن حکم قتل زندانیان سیاسی از سوی خمینی، با چند پرسش کوتاه و پاسخ هائی که در مقابل آن می‌گرفت حکم مرگ صادر می‌کرد. بسیاری از این زندانیان، پیش از آن، به دادگاه رفته و حکم های زندان گرفته بودند و برخی از آنان حتی دوران محکومیت خود را گذرانده بودند.

آمار دقیق جانباخته گان این کشتار همگانی روشن نیست. رژیم جمهوری اسلامی، از دادن هرگونه اطلاعات در باره این کشتارها و مکان گورهای دسته جمعی جانباخته گان این بیداد عظیم خوداری می‌کند؛ اما، تاکنون نام پنج هزار نفر از این جانباخته گان، به وسیله خانواده

ها، احزاب، سازمان‌های سیاسی و نهادهای حقوق بشری روشن شده است و گورستان خاوران در جنوب تهران، یکی از گورهای شناخته شده‌ای است که بازماندگان و خانواده‌های زندانیان سیاسی از آن اطلاع یافته اند و دهم شهریور هر سال به یاد و در گرامی‌داشت عزیزان خود در آن گرد هم می‌آیند.

کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۱۳۶۷، در ادامه و نقطه اوج -کشتار مخالفان جمهوری اسلامی بود که به ویژه می‌توان از آن در سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۳ نام برد که در این مدت بیش از ۲۰۰۰۰ تن ناپدید شدند و یا زیر شکنجه، یا در برابر جوخه های مرگ جان سپردند. اکنون نیز در خیزش‌های اخیر و حضور میلیونی مردم ایران در خیابان‌ها در اعتراض به سلطه تبه‌کارانه رژیم جمهوری اسلامی، نیروهای انتظامی با درنده خوئی به مردم هجوم آوردند و با سرکوب، دستگیری، شکنجه و کشتار ده‌ها تن از تظاهرکنندگان برگ‌های دیگری بر این کارنامه جنایت‌کارانه افزودند.

اینک،

ما، گروهی از خانواده های این جان‌باخته گان، بخشی از زندانیان سیاسی جان‌برده از کشتارهای دهه ۱۳۶۰، فعالان سیاسی، فعالان کارگری و دانشجویی، مبارزان برابری‌خواه حقوق زنان و فعالان عرصه هنر، ادبیات، حقوق کودکان و دیگر زمینه های مبارزاتی، از دو سال پیش با برگزاری جلسات بسیاری برای ارزیابی زمینه ها بر آن هستیم که رژیم جمهوری اسلامی را به جرم جنایت علیه بشریت در یک دادگاه نمادین بین المللی به محاکمه بکشیم. این دادگاه بر آن است که کشتار زندانیان سیاسی، این تراژدی بزرگ انسانی و سایر قتل‌های رژیم را در مرکز توجه افکار عمومی مردم ایران و جهان قرار دهد.

به راستی،

فاجعه بزرگ و فراموش‌ناشدنی کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۱۳۶۷ به اندازه ای جنایت‌کارانه است که ما آن را به تنهایی برای محکومیت و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران کافی می‌دانیم. از این رو،

از همه مردم آزاده و آگاه، از زن و مرد و جوان، از روزنامه‌نگاران و فعالان سیاسی، فعالان کارگری و دانشجویی، مبارزان برابری‌خواه حقوق زنان و فعالان عرصه هنر، ادبیات، حقوق و دیگر زمینه‌های مبارزاتی درخواست می‌کنیم به هر وسیله که ممکن است برای پیش‌برد عملی این دادگاه و اجرای این رسالت انسانی-تاریخی و در همبستگی با کارزار بسیج افکار عمومی مردم ایران و جهان، از این پیکار

عدالت خواهانه پشتیبانی کنند.

جمعی از خانواده های جانبخته گان دهه ۶۰- تهران، جمعی از مادران خاوران، جمعی از مادران جانبخته گان ده پنجاه و ده شصت، مادر سلاحی(مادر جانبخته گان سلاحی و مادر همسر جان باخته محمود محمودی)، مانی یوسفی(خانواده جان باخته؛ پدر و دو دایی)، مادر عصمت وطن پرست(مادر جانبخته گان جلیله و اعظم صیادی، خواهر جانبخته گان محمود، علی و منوچهر وطن پرست، خاله جان باخته جواد رحمانی)، ایمان شیرعلی(فرزند جان باخته ایرج شیرعلی، فعال سیاسی- اجتماعی)، شهنار کایدپور(خواهر جان باخته داریوش کایدپور)، شکوفه منتظری(فرزند جان باخته حمید منتظری)، رخشنده حسین پور رودسری(همسر جان باخته علی مهدی زاده ولوجردی، خواهر جانبخته گان حمید و رحیم حسین پور رودسری)، زریر جهانگیری(زندانی سیاسی سابق، خانواده جانبخته گان مهین جهانگیری، محمدقلی جهانگیری، الله قلی جهانگیری، جعفر جهانگیری)، حیدر جهانگیری(زندانی سیاسی سابق، خانواده جانبخته گان مهین جهانگیری، محمدقلی جهانگیری، الله قلی جهانگیری، جعفر جهانگیری)، محمدعلی زند کریمی(برادر جان باخته رئوف زارعی، زندانی سیاسی سابق)، سعید منتظری(برادر جان باخته حمید منتظری، فعال سیاسی)، شهلا طالبی(همسر جان باخته حمید حیدری، زندانی سیاسی سابق)، سهراب خوشبویی (برادر جانبخته گان سیروس، غلامعلی و ساسان خوشبویی)، زری عرفانی(خواهر جان باخته محمدحسین عرفانی)، مینا لبادی(همسر جان باخته علی اصغر ضیغمی)، ناهید سروستانی(خواهر جان باخته رستم اکبرپور، فیلم ساز)، سیروس آذری(برادر جان باخته خسرو دستاران، فعال سیاسی)، زرغام اسدی(برادر جان باخته غضنفر اسدی، خواهرزاده جان باخته مسعود اسدی، فعال سیاسی)، نیما سروستانی(برادر جان باخته رستم اکبرپور، فعال سیاسی)، حسن مکارمی(همسر جان باخته فاطمه زارعی، هنرمند نقاش، خط نگار)، لاله بازرگان(خواهر جان باخته بیژن بازرگان)، نشمیل هندوش(خواهر جان باخته ناصر هندوش)، مریم نوری(همسر جان باخته رحمت فتحی، زندانی سیاسی سابق)، شهلا مولوی(همسر جان باخته جواد بهاریان شرقی، زندانی سیاسی سابق)، حسین زالزاده(برادر جان باخته ابراهیم زالزاده، فعال سیاسی)، نهضت اشترانی(فرزند جان باخته سلطانعلی اشترانی)، بیژن آل کنعان(برادر جان باخته ساسان ال کنعان، زندانی سیاسی سابق)، حسین حسینجانی مقدم(برادر جان باخته فرزانه حسینجانی مقدم، زندانی سیاسی سابق)، بانو صابری(همسر جان باخته عباسعلی منشی رودسری)، سهیلا نیک نژاد(خانواده جانبخته گان علی اکبر مرادی، علی اشرف

مرادی و علی پاشائی، فعال سیاسی)، رضا کعبی (برادر جانباخته‌گان شهلا و نسرين کعبی)، آذر آل کنعان (زندانی سیاسی سابق، فعال سیاسی)، محمد جواد محبی (زندانی سیاسی سابق، فعال سیاسی)، رامین عبدالهی (زندانی سیاسی سابق، عضو موسس کانون شوراهاى غرب تهران)، شکیب محب (زندانی سیاسی سابق، فعال سیاسی)، پیمان پیران (فعال دانشجویی، زندانی سیاسی سابق)، منصوره باشکندی (زندانی سیاسی سابق، فعال سیاسی)، احمد موسوی (زندانی سیاسی سابق، فعال سیاسی)، هزیر پلاسچی (نویسنده، روزنامه نگار)، جعفر مرادی (زندانی سیاسی سابق، فعال سیاسی)، علی آشناگر (زندانی سیاسی سابق، فعال سیاسی)، محمد خوش ذوق (زندانی سیاسی سابق)، مجید میرزائی (زندانی سیاسی سابق)، منصور کوشان (نویسنده)، ایرج جنتی عطائی (نمایشنامه نویس، کارگردان تئاتر، ترانه سرا)، حسین محمدی (زندانی سیاسی سابق)، منوچهر صفرعلی (زندانی سیاسی سابق، فعال سیاسی)، سعید عرب (زندانی سیاسی سابق، فعال سیاسی)، عباس سماکار (شاعر، نویسنده)، ژيلا مساعد (شاعر، نویسنده)، بهروز پرتو (فعال سیاسی)، محمد نبوی (حقوقدان، فعال سیاسی)، صدیقه محمدی (فعال سیاسی، فعال جنبش زنان)، احمد اسکندری (کارشناس کرد)، نعمت آزر (شاعر، پژوهشگر زبان و ادبیات فارسی، عضو موسس کانون نویسندگان ایران، زندانی سیاسی رژیم سلطنتی)، بابک رحیمی (فعال سیاسی، روزنامه نگار)، وحید ولی زاده (روزنامه نگار، نویسنده)، بابک عماد (فعال سیاسی، زندانی سیاسی سابق)، شهین پویا (فعال سیاسی، فعال جنبش زنان)، اسفندیار منفردزاده (موسیقی دان)، الناز محبوب (روزنامه نگار، فعال جنبش زنان)، جمعی از زندانیان سیاسی سابق (تهران، گیلان، کردستان)، شاهین نجفی (هنرمند-خواننده)، پویان دانشیان (زندانی سیاسی سابق، فعال سیاسی)، سیاوش سلطانی (زندانی سیاسی سابق)، جمشید پایداری (زندانی سیاسی سابق، فعال سیاسی)، مهرانوش شفیعی (زندانی سیاسی سابق)، اسماعیل حق شناس (زندانی سیاسی سابق، فعال سیاسی)، اردوان زیبرم (زندانی سیاسی سابق، فعال سیاسی)، مسعود بلوچ (فعال حقوق بشر، مسئول رادیو بلوچی)، بنفشه ایزدی (زندانی سیاسی سابق)، میترا لاگر (زندانی سیاسی سابق)، مهرداد آهنگر (فعال سیاسی)، مسعود رئوف (کارگردان، هنرمند نقاش)، رضا آزاد (زندانی سیاسی سابق، هنرمند نقاش)، ایرج مصداقی (زندانی سیاسی سابق، فعال سیاسی)، داریوش افشار (فعال حقوق بشر)، فرمان سیابی (زندانیان سیاسی سابق، فعال سیاسی)، پانته آ بهرامی (زندانی سیاسی سابق، فیلمساز)، شکوفه سخی (زندانی سیاسی سابق، پی اچ دی علوم سیاسی)، حسین مهینی (سینماگر، عکاس)، سوسن بهار (دبیر جمعیت الغای کار کودکان، سردبیر فصلنامه کودک و جوان داروک)، صلاح

بختیار(زندانی سیاسی سابق، فعال سیاسی)، رویا صادقی(زندانی سیاسی سابق، فعال سیاسی)، زمان مسعودی(فعال سیاسی، سخنگوی حزب چپ آلمان-هامبورگ)، نصرت تیمورزاده(فعال سیاسی)، شیدا جهان بین(روزنامه نگار، فعال دانشجویی)، حمید کمالی(زندانی سیاسی دو رژیم سلطنتی و جمهوری اسلامی، فعال سیاسی).